

## مقایسه تطبیقی مکاتب مطالعات مورفولوژی شهری به منظور تکمیل آن براساس دستگاه تحلیلی مکتب اقتصاد سیاسی فضا

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۵  
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۶/۲۵

حمیدرضا محملی ایبانه\*

### چکیده

مورفولوژی (ریخت شناسی) شهری بررسی نظام‌مند فرم، شکل، نقشه، ساختار و کارکردهای بافت مصنوع شهرها و منشاء و شیوه تکامل این بافت‌ها در طول زمان است. مطالعات بسیاری در خصوص مورفولوژی شهری انجام گردیده است که در یک طبقه‌بندی صورت گرفته به سه مکتب کلی بریتانیایی، ایتالیایی و فرانسوی تقسیم شده‌اند. مطالعه حاضر به گونه‌بندی مطالعات مورفولوژی و مقایسه تطبیقی مکاتب موجود در انجام مطالعات مورفولوژی شهری می‌پردازد و براین اساس ضمن بررسی تفاوت‌های این مکاتب، تلاش می‌کند تا به نقد مشترکی که بر آن‌ها وارد می‌شود، بپردازد. مطالعات مورفولوژی شهری کمتر به فرآیندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر روند تاریخی شکل‌گیری بافت توجه داشته‌اند. با توجه به این امر، چنانچه بتوان روشی را پیشنهاد نمود که از حیث توجه به روندها و فرایندهای شکل‌دهندهی فرم شهری وضع موجود به اندازه مطالعات مکتب انگلیسی (که در مقام مقایسه، کامل‌تر از سایر مکاتب مورفولوژی شهری به نظر می‌رسد) کارا باشد و در عین حال بتواند ساختارهای اجتماعی و روابط اقتصادی حاکم بر فضا را تشخیص داده و از آن ره مطالعات مورفولوژیک را به اهداف تجویزی نزدیک نماید، چارچوبی نسبتاً مؤثر ارائه شده است. لذا پیشنهاد این مطالعه استناد به الگوهای مورفولوژی بریتانیایی در عین تأکید بر نیروهای اثرگذار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در بستر زمان است که برای این امر می‌توان به طور خاص از دستگاه تحلیلی مکتب اقتصاد سیاسی فضا بهره جست.

واژگان کلیدی: مورفولوژی، اقتصاد سیاسی فضا، فرم شهری، طراحی شهری.

## مقدمه

مورفولوژی شهری، جریانی عمده در مطالعه شکل شهر در جغرافیای شهری است (Madanipour, 2001, p.77). مورفولوژی شهری، مطالعه‌ای است که به بررسی شکل بافت‌های شهری و گونه‌بندی آن در وضع موجود می‌پردازد. مطالعات مورفولوژی شهری در دوره‌های مختلف و همچنین متأثر از نگاه‌های متفاوت، تفاوت‌هایی را در شیوه مطالعه و محصول نهایی داشته‌اند که در قالب مکاتب متفاوت مورفولوژی دسته‌بندی شده‌اند. بررسی دسته‌بندی‌های گوناگونی که از مکاتب موجود در حوزه مطالعات مورفولوژی شهری، توسط محققین ارائه شده است، نشانگر آن است که طبقه‌بندی صورت گرفته توسط "آنا ورنر مدون" را می‌توان یکی از دسته‌بندی‌های جامع از این مکاتب دانست. مدون در طبقه‌بندی خود مطالعات مورفولوژی شهری را در سه مکتب اصلی بریتانیایی، ایتالیایی و فرانسوی دسته‌بندی، و به بررسی و تحلیل آن‌ها می‌پردازد.

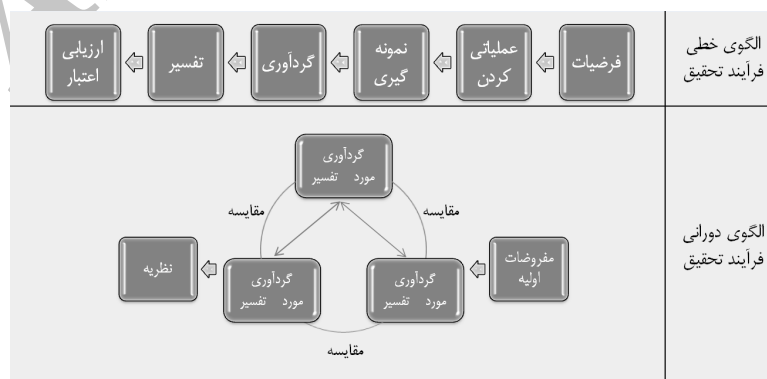
جایگاه مطالعات مورفولوژی شهری در گذر زمان تغییراتی را شاهد بوده است. تا دهه شصت، عمده توجه جغرافی‌دانان شهری، ساختار دورنی شهر بود، با عنایت خاص به مورفولوژی، که اعصار و گونه‌های ساختمانی را ترسیم و عناصر متفاوت تاریخی و تشکیل دهنده نقشه شهرها را شناسایی می‌کرد (Madanipour, 2001, p.79). از این روست که پس از شکست قاطعانه طبقه‌بندی‌های کارکردی و شالوده‌های اقتصادی نظام‌های شهری، از مورفولوژی شهری به این عنوان که بیشتر توصیفی است به شدت انتقاد شده که نتیجه‌ای برای دستیابی به راه‌حل‌های مناسب در اختیار متصدیان قرار نمی‌دهد و تنها به مشهودات و اشیاء بی‌روح توجه می‌کند.

اما در پی مورد اقبال واقع شدن تفکر سیستمی و برقراری کنش‌های بین معماران، جغرافی‌دانان، تاریخ‌دانان و اقتصاددانان شکل جدیدی از مورفولوژی شهری پایه‌گذاری شد و عملاً تلاش شد که ساختار شهر به عنوان نتیجه توسعه‌های تاریخی در دوران‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد (Whitehand, 2007, p.ii02-ii06). برای انجام چنین مطالعه‌ای، رویکردها و مکاتب مختلف، الگوهای متفاوتی را ارائه کرده‌اند. به نظر می‌رسد در مقایسه با الگوهای مختلف مطالعات مورفولوژی شهری در بافت‌های تاریخی، مکتب بریتانیایی بیش از بقیه مورد توجه محققان باشد. با این وجود می‌توان پیشنهادهای را برای تکمیل آن با توجه به عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اثرگذار بر کالبد شهر ارائه نمود. لذا این مقاله به ارائه پیشنهادهای در این جهت و در دستگاه تحلیلی مکتب اقتصاد سیاسی فضا می‌پردازد.

## ۱. روش و مراحل تحقیق

روش تحقیق را مطالعه فرآیند جست‌وجو (به جای محصول جست‌وجو) تعریف کرده‌اند (Grout & Wang, 2007, p. 8). روش‌های تحقیق در انواع متفاوتی نظیر روش تحقیق پایه‌ای، توصیفی، تبیینی، اکتشافی، تجربی، استراتژیک، تطبیقی، تحلیلی و نظایر این‌ها در نظر گرفته شده‌اند (Andalib, 2003, p.52-56). روش انجام این تحقیق، روش تحلیلی-تطبیقی است. بدین منظور، ابتدا به تبیین و تحلیل مکاتب موجود در مطالعات مورفولوژی شهری پرداخته می‌شود و سپس از طریق مقایسه تطبیقی مکاتب موجود، مطابق نمودار زیر، برای تدوین نظریه‌ای در خصوص تکمیل مطالعات مورفولوژی موجود تلاش می‌شود.

تصویر ۱: الگوی مقایسه تطبیقی در جهت ارائه نظریه



(Flick, 2009, p.113)

رویکرد اصلی حاکم بر این مطالعه، مبتنی بر پارادایم انتقادی است. براساس این پارادایم، به مناطق شهری و با برنامه‌ریزی نمی‌توان به عنوان موضوعات مطالعاتی جدا از جامعه پرداخت (Allmendinger, 2010, p.137). پارادایم

انتقادی، به ارزیابی و انتقاد از نظام‌های موجود می‌پردازد. این پارادایم خود را همچون "تحلیل هنجارین" می‌نماید، یعنی تحلیلی که با ماهیت اجتماعی و سیاسی برنامه‌ریزی سروکار دارد، از برداشت‌های عینی و "رها از ارزش" موضع اثبات‌گرا پرهیز می‌کند و آگاهانه در جستجوی راه‌های گذر از وضعیت موجود است (Abdi Daneshpour, 2008, p.70). به جهت همین پارادایم است که مفاهیم و دیدگاه‌های مکتب اقتصاد سیاسی فضا، به عنوان مکتبی انتقادی اهمیت می‌یابد. بر این اساس، پس از تعریف مفاهیم و واژگان مربوطه، گونه‌بندی مکاتب مطالعات مورفولوژی صورت می‌گیرد. سپس سه مکتب اصلی مطالعات مورفولوژی شهری با یکدیگر مقایسه شده و نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها مشخص می‌شود. نهایتاً با شناسایی کمبودهای این مطالعات و خلاءهای علمی موجود، تلاش می‌شود پیشنهادهایی در جهت رفع نواقص احتمالی ارائه گردد. این پیشنهادها در جهت ایجاد زمینه‌های تحلیل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در بازخوانی و گونه‌بندی شکلی بافت‌های شهری است. به همین جهت، نتیجه این مطالعه، پرهیز از نگاه پزیتویستی به بافت‌های شهری است.

## ۲. ترمینولوژی مورفولوژی و مورفولوژی شهری

ریشه لغت مورفولوژی (ریخت‌شناسی)، دو کلمه‌ی مورف<sup>۲</sup> (فرم) و لوژی<sup>۳</sup> (لاژیک) است که بدین معناست که مورفولوژی، منطق شناخت فرم است. این مطالعات در بسیاری از رشته‌ها به منظور توجه به شخصیت کالبدی، ساختار، تناسبات و تغییر شکل اشیاء و عناصر متشکله‌ی آن‌ها انجام شده است (Cortes, 2004a, p.3). این واژه که اولین بار توسط گوته<sup>۴</sup> شاعر آلمانی به کار گرفته شد و در علوم نظیر بیولوژی نیز مورد استفاده قرار گرفت، براساس فرهنگ کوچک آکسفورد (1970) معرف علمی است که کار آن، بررسی شکل، فرم، ساختار خارجی یا شیوه مرتب شدن است، این واژه در بیولوژی برای بررسی «نه تنها شکل و ساختار در گیاهان، جانوران و میکرو ارگانیسم‌ها، که اندازه شکل، ساختار و روابط میان اجزایشان» استفاده می‌شود، هر چند برحسب نوع، با مطالعه کارکرد ارگانیسم‌ها اجزایشان - یعنی فیزیولوژی - متضاد است، انفکاک این دو، به گونه‌ای تصنعی است که دلیل آن رابطه‌ای نزدیک و متقابل میان کارکرد و ساختار ارگانیسم‌هاست. بر این اساس، با توجه به رویکردهای متفاوتی که نسبت به این مفهوم وجود دارد، تعاریف مختلفی از مورفولوژی شهری ارائه شده که نمونه‌هایی از آن عبارتند از:

- مورفولوژی شهری علمی است که بر اثرات ملموس نیروهای اجتماعی و اقتصادی متمرکز می‌شود و در این راستا به بررسی فرآیند شکل‌گیری انگاره‌ها و تمایلاتی می‌پردازد که فرم و قالب شهرها را پایه‌ریزی می‌کنند. ساختمان‌ها، باغ‌ها، خیابان‌ها، پارک‌ها و مجسمه‌ها از عناصر مهم تحلیل‌های مورفولوژیک هستند، هر چند این عناصر در بستر زمان همواره در معرض تغییر و تحول می‌باشند (Moudon, 1997, p. 3).
  - مورفولوژی شهری بررسی نظام‌مند فرم، شکل، نقشه، ساختار و کارکردهای بافت مصنوع شهرها، و منشاء و شیوه تکامل این بافت‌ها در طول زمان است (Madanipour, 2001, p.78).
  - مورفولوژی به معنای «طرح‌ها، ساختمان‌ها، کاربری، خیابان‌ها، نقشه‌ها و چشم‌اندازهای شهری» است (Mada-nipour, 2001, p. 78).
  - مورفولوژی شهری اصطلاحی است که به عنوان شمار مختلفی از انواع تحقیق به کار گرفته می‌شود که تمامی آن‌ها بر روی فرم فیزیکی مناطق شهری متمرکزند (Whitehand, 2001, p.103).
  - مورفولوژی شهری مطالعه طرح ترکیب فرم و فضای شهری است که به طراحان شهری کمک می‌کند تا با الگوهای محلی توسعه و روندهای تغییر آشنا شوند (Carmona, Tiesdell, Heath & Oc, 2003, p. 61).
- بنابراین، مشاهده می‌شود که بیشترین تأکید تعاریف موجود، بر جنبه‌های کالبدی شهر است که طراحان شهری می‌توانند در شکل‌دهی به آن مداخله نمایند. با این حال در برخی از تعاریف، به نیروهای اجتماعی و اقتصادی اشاره شده که در گذر زمان بر بافت‌های شهری اثر می‌گذارند. در ادامه به این موضوع پرداخته می‌شود که تحقیقات و مطالعات مورفولوژی شهری تا چه حد در تحلیل نیروهای اجتماعی و اقتصادی در گذر زمان موفق بوده‌اند. به نظر می‌رسد عدم توجه جدی به این نیروها، نقد مشترکی است که مطالعات مورفولوژی موجود با آن مواجه هستند.

## ۳. مکاتب مطالعات مورفولوژی شهری

مطالعات بسیاری در خصوص مورفولوژی (ریخت‌شناسی) شهری انجام گردیده است که در یک طبقه‌بندی که توسط "آنا ورنر مدون" صورت گرفته به سه مکتب کلی بریتانیایی، ایتالیایی و فرانسوی تقسیم شده‌اند (Moudon, 1997, p.3). این تقسیم بندی از این جهت واجد اهمیت است که نوشتن در خصوص مورفولوژی شهری در زمینه جغرافیایی رشته‌های نظیر معماری و طراحی شهری بدون ارجاع به مکاتب خاصی که در ارتباط با شیوه‌های گوناگون مطالعات هستند، غیرممکن است (Bekkering, 2006, p.100). مطالعه این سه مکتب با این هدف صورت می‌گیرد که الگوی مطالعه مناسب جهت انجام مطالعات مورفولوژیک استخراج گردد.

### ۱-۳- مکتب بریتانیایی

مکتب بریتانیایی را می‌توان شکوفاترین سنت تحقیق در مورفولوژی شهری جغرافیایی، دانست. مدون این مکتب را بریتانیایی می‌دانند، چرا که شاخص‌ترین مطالعات در چارچوب این مکتب توسط "کانزن"<sup>۵</sup> انجام گرفته که گرچه اصالتاً آلمانی است؛ اما پس از مهاجرت به بریتانیا و با مطالعه بر روی شهرهای انگلیسی چارچوب آن تدوین نموده است (Moudon, 1997, p.3). اما براساس نظر "لارخام"<sup>۶</sup>، با توجه به سنت مورفوننتیک آلمانی کانزن، این مکتب را می‌توان تحت عنوان مکتب آلمانی معرفی نمود. شاید این امر را بتوان ناشی از آن دانست که مورفولوژیست‌های انگلیسی به توصیف و طبقه‌بندی بیشتر از مفهوم‌سازی فرایندها علاقه‌مند بودند (Larkham, 1998, p.160).

کانزن در دههٔ سی، مطالعات خود را بر روی بسیاری از شهرهای انگلستان، خصوصاً "آلن‌ویک"<sup>۷</sup> متمرکز نمود. خود او این مطالعات را "منظر شهری"<sup>۸</sup> می‌دانست که ترکیبی از مطالعه نقشه شهر، فرم ساختمان‌ها و کاربری بود. نقشه شهر شامل خیابان‌ها و ترکیب آن‌ها در نظام شبکه، قطعات و تجمع آن‌ها در بلوک‌ها و طرح بلوک‌ها می‌شود (Bekkering, 2006, p.105 ; Levy, 1999, p.80). علاوه بر این، وی دو مفهوم "کمربند حاشیه‌ای"<sup>۹</sup> و دوره تغییر قطعات زمین<sup>۱۰</sup> را نیز تبیین نمود. کمربند حاشیه‌ای به معنی بروز کالبدی دوره‌های تغییر کند یا حتی سکون در نواحی ساخته شده و دوره تغییر قطعات زمین به معنای پر شدن تفکیکی قطعات تفکیکی است که به آغاز مرحله حداکثر زیربنا منجر می‌شود و در نهایت به خالی شدن قطعات زمین و آمادگی آن‌ها برای توسعه جدید منجر خواهد شد (Larkham, 1998, p.163 ; Mirmoghtadaee, 2006, P.132).

کانزن همچنین با مطالعه تاریخی توسعه شهر، واحدهایی را تحت عنوان "واحدهای نقشه"<sup>۱۱</sup> تعریف می‌نماید که در دوره‌های مختلف مورفولوژیک شکل گرفته‌اند. از آن‌جا که هر دوره شرایط خاصی را در توسعه شهر دارد، چنین تقسیم‌بندی‌ای عملی و منطقی است (Bekkering, 2006, p.105).

تأثیری که کانزن بر مطالعه مورفولوژی شهری داشته است در سه حوزه قابل تأمل است که عبارتند از: ۱- توجه آن به ماهیت و میزان تغییر منظر شهری<sup>۱۲</sup>، ۲- بنگاه‌های درگیر در فرآیند تغییر و ۳- مدیریت این تغییر (Larkham, 1998, p. 164). پس از کانزن، میراث او به وسیله تحقیقات "وایت‌هند"<sup>۱۳</sup> توسعه یافت و مرزهای مورفولوژی شهری از جغرافیا تا حوزه اقتصاد شهری، مطالعه ارتباط بین شهر و ساکنان آن و پویایی شیوه‌های تولید ساختمان گسترش یافت. وایت‌هند در سال ۱۹۷۴ مرکز تحقیقات بیرمنگام را با هدف مطالعه شهرهای قرون وسطایی تأسیس نمود. علاوه بر این، افراد دیگری نظیر لارخام و "اسلیتر"<sup>۱۴</sup> که دانش‌آموختگان هم‌پیمان مرکز تحقیقاتی بودند نیز این مکتب را ادامه دادند (Moudon, 1997, p. 4).

رویکرد بریتانیایی مؤید این ایده است که توسعه‌های موجود شهری رویدادهای کاملاً جدیدی نیستند و در واقع ادامه‌ی روندهای تغییر گذشته‌اند (Bekkering, 2006, p.106). بنابراین مکتب بریتانیایی با توجه به حوزه‌های تدقیق شده مطالعه با فرآیندی مشخص به مطالعات مورفولوژی شهری می‌پردازد و به طور هم‌زمان به وضع موجود و فرآیندهای تغییر آن توجه دارد.

### ۲-۳- مکتب ایتالیایی

رویکرد دیگری که در مورفولوژی شهری وجود دارد، دیدگاه‌های معماران ایتالیایی است. مکتب ایتالیایی پیش از دو مکتب دیگر به موضوع مورفولوژی شهری پرداخته است. از دهه ۱۹۵۰ معمار ایتالیایی به نام موراتوری<sup>۱۵</sup> مطالعاتی درباره گونه‌شناسی خانه‌ها و محل استقرار آن‌ها در شهر انجام داد و تاریخ فعال شهر را بر مبنای آن‌چه ساخته بود و با این تفکر که شهر تبلور کالبدی توسعه‌های فرهنگی است، مطالعه کرد (Mirmoghtadaee, 2006, p.133). موراتوری تلاش می‌کند که نظریه‌ای برای طراحی بر اساس فرآیندهای سنتی ساخت شهر ایجاد کند (Moudon, 1998, p.145). بنابراین ایتالیایی‌ها نخستین گروهی بوده‌اند که به مطالعات گونه‌شناسی دقیق مورفولوژی شهری پرداخته‌اند. این مکتب علاوه بر مطالعاتی که موراتوری بر روی ونیز و رم انجام داد، توسط مطالعات افراد دیگری نظیر سرولاتی<sup>۱۶</sup> و اسکناوینی<sup>۱۷</sup> بر روی بولونیا، کانیگیا<sup>۱۸</sup> بر روی کومو و نیز نوشته‌ها و پروژه‌های طراحی نسلی از معماران ایتالیا نظیر روسی<sup>۱۹</sup> و آیمنوینو<sup>۲۰</sup> هدایت شد (Bekkering, 2006, p.100).

مکتب ایتالیایی در ابتدا در مؤسسه ملی آسیکروزایونی (آی ان ای)<sup>۲۱</sup> که موراتوری مسئول گروه هدایت مناطق رومی بود، شکل گرفت. اما در سال‌های بعد، دانشگاه‌های مهمی از سراسر ایتالیا به عنوان پایگاه‌های آکادمیک مکتب مذکور فعالیت کردند که به طور اخص می‌توان به دانشگاه رم اشاره نمود (Cataldi et al., 2002, p.4). این مکتب را می‌توان پاسخی برای یکسان‌سازی و استانداردگرایی مدرنیسم به حساب آورد. بیشتر مطالعات در این چارچوب بر روی گونه‌های ساختمانی‌ای بود که پایه شکل‌دهی به نسج شهری و کل شهر به حساب می‌آیند.

ضعف این رویکرد در ابتدا در تمرکز بر شرایط فعلی بدون توجه به سیر تحول تاریخی بافت بود (Bekkering, 2006, p.100). اما با مطالعات کانیگیا، این مطالعات پالایش بیشتری پیدا کرد. مطالعات وی با هدف درک فرم مصنوع از طریق بررسی فرآیند

تاریخی شکل‌گیری انجام شد. گرچه کانیگیا روند تاریخی شکل‌گیری بافت را مدنظر قرار می‌دهد، اما میان ارتباط فضایی متقابل عناصر مصنوع و ارتباط متقابل زمانی تمایز قائل می‌شود. براین اساس ارتباط فضایی عناصر مصنوع بر مبنای تقسیم‌بندی‌هایی قرار دارد که یک سلسله‌مراتب را تشکیل می‌دهند. اجزاء شامل عناصر، ساخت عناصر و سیستم ساخت‌ها و ارگانیزم سیستم‌هاست (Mirmoghtadaee, 2006, p.133). از نظر کانیگیا که رویکردی اندامواره (ارگانیک) را می‌پذیرد، فرآیند گونه‌شناسی ارتباط میان گونه‌ی ساختمان‌ها و بافت شهری است که با "سلول ابتدایی"<sup>۲۲</sup> آغاز می‌شود. این فرآیند "شبه گونه‌هایی"<sup>۲۳</sup> که از نظر عملکردی متفاوتند را خلق می‌کند که منجر به "بافت پایه"<sup>۲۴</sup> و "بافت‌های خاص"<sup>۲۵</sup> می‌شوند (Levy, 1999, p.80). پس از کانیگیا نیز، "گروه فلورنتین"<sup>۲۶</sup> را می‌توان فعال‌ترین مرکز و مرجع نظری دانشگاهی این مکتب دانست (Cataldi et al., 2002, p. 8). بنابراین امروزه مکتب ایتالیایی به عنوان مکتبی که عمدتاً به تحلیل مورفولوژیک وضع موجود از طریق گونه‌شناسی نسج شهری می‌پردازد، شناخته می‌شود.

### ۳-۳- مکتب فرانسوی

پس از شکل‌گیری دو مکتب فوق‌الذکر، سومین مکتب در اواخر سال‌های دهه ۱۹۶۰ و در فرانسه ظهور کرد. زمانی که معمارانی چون "فیلیپ پرنه"<sup>۲۷</sup> و هم‌چنین "جین کستکس"<sup>۲۸</sup> با یکدیگر و با همراهی جین "چارلز دوپاول"<sup>۲۹</sup> جامعه‌شناس فرانسوی، مدرسه ملی معماری ورسای<sup>۳۰</sup> به عنوان بخشی جدا شده از مدرسه بوزار<sup>۳۱</sup> را تأسیس کردند. مکتب فرانسوی مورفولوژی همچون مکتب ایتالیایی عکس‌العملی در مقابل مدرنیسم بود. هرچند که از گفتمان روشنفکری در ارتباط با زندگی شهری که موجب معماری پیشگام شد، سود می‌جست و با اندیشه‌های انتقادی قوی جامعه‌شناسانی چون "هنری لوفور"<sup>۳۲</sup> و مورخین معماری نظیر "فرانس بودون"<sup>۳۳</sup> و "آندره کستل"<sup>۳۴</sup> ترکیب می‌شد (Moudon, 1997, p. 5).

لذا می‌توان ادعا کرد که مکتب فرانسه در ادامه مطالعات مکتب ایتالیایی و با روح دوباره‌ای که از سرچشمه‌های اندیشه‌ی لوفور و بودون در آن دمیده شده بود، شکل گرفت. در این میان آرای روسی و آیمونیو بیش از سایر اندیشمندان مکتب ایتالیایی نظیر کانیگیا بر مکتب فرانسه اثرگذار بوده است (Bekkering, 2006, p.102). از نظر برخی از صاحب‌نظران، نمی‌توان مدعی وجود مکتب فرانسوی در مطالعات مورفولوژی شهری شد. به عنوان مثال دارین بر این باور است که مطالعاتی که در قالب مکتب فرانسه نام برده می‌شوند، بسیار پراکنده‌اند و محققین آن‌ها نیز در بیشتر مواقع از یکدیگر بی‌خبر بوده‌اند و بر این اساس کسی نمی‌تواند مدعی وجود مکتب فرانسوی مورفولوژی شهری باشد (Darin, 1998, p.71). با این وجود، مروری بر ادبیاتی که در این زمینه موجود است و به ویژه چارچوب تئوریک که کستکس و پرنه برای مطالعه تدوین می‌نمایند، نشان دهنده نوع ویژه‌ای از انسجام است. برخلاف ایتالیایی‌ها که رویکرد خود به مورفولوژی شهری را از معماری به‌دست آورده بودند، مکتب فرانسوی مجموعه‌ای از رشته‌ها را در مطالعات مورفولوژیک مؤثر می‌دانستند (Bekkering, 2006, p.102). علاقه‌ی دوگانه‌ی مدرسه معماری ورسای به توسعه‌ی تئوری ساخت شهر و نظریه طراحی، مکتب فرانسه را با اهدافی شکل داده است که عبارتند از: هم‌پوندی قوی با علوم اجتماعی، بررسی مباحث منبعت از ارتباط دوگانه میان مردم و محیط آن‌ها و بالاخره جستجوی راهی برای هماهنگی بین نظریه طراحی به عنوان ایده و به نظریه طراحی به عنوان معیاری برای عمل (Moudon, 1998, p.145).

پرنه، کستکس و در کتاب "فرم‌های شهری: مرگ و زندگی بلوک شهری" چنین می‌نویسند که در دهه ۱۹۷۰ در فرانسه، معماران به بازی‌های روش‌شناسی- ساختارشناسی می‌پرداختند، برنامه‌ریزان شهری هنوز معتقد به جادوی برنامه‌ریزی بر مقیاس بزرگ بودند و برخی از گروه‌های درگیر سیاست تحت تأثیر جامعه‌شناسان بودند که در پی ساکنان شهر و متهم کردن نوسازی بولدوزری و پیامدهای آن نوسازی را برابر با اخراج می‌دانستند (Panerai, Castex, & Depaule, 2004, p.ix). لذا مشاهده می‌شود که جمع‌کردن رویکردهای اندیشمندان حوزه‌های متفاوت با نگاه‌های مختلف به موضوع فرم شهر تحت تأثیر نوسازی‌های فرانسه تعریف و تبیین گردید.

با وجود شباهت‌های میان مکتب فرانسوی و مکتب ایتالیایی، تفاوت‌هایی نیز میان این دو مکتب وجود دارد که می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود که اولاً مکتب فرانسوی، برخلاف مکتب ایتالیایی، به دلیل بررسی مدل‌ها و نظریه‌های مختلف، تفکیکی میان "قبل" و "بعد" قائل نیست، بلکه به بررسی تأثیر یک ایده در الگوها، گونه‌ها و فرم‌ها در امتداد یکدیگر توجه می‌کند. ثانیاً به عکس مکتب ایتالیایی که بیشتر بر گونه‌های ساختمانی متمرکز است، نگاه فرانسوی‌ها بیشتر به الگوها یا نسج شهری معطوف است (Bekkering, 2006, p.104).

مهم‌ترین ویژگی مکتب فرانسه را می‌توان در توجه به نظریه‌های شکل‌دهنده‌ی فرم شهر تعریف نمود. به عنوان مثال، در مطالعه‌ای که بر روی شهرهای مختلف اروپایی انجام داده‌اند، به بررسی مواردی چون اثرات نظریه‌ی باغشهرها بر روی فرم شهر لندن پرداخته‌اند، اثرات شهرسازی هوسمانی<sup>۳۵</sup> بر شکل پاریس و یا ایده شهر درخشان لوکوربوزیه<sup>۳۶</sup> پرداخته‌اند (Panerai et al., 2004). لذا توجه ویژه‌ی اندیشمندان این مکتب، بر روی تغییرات حادث شده بر اثر مدرنیسم است.

با توجه به مدرنیسم و مابه‌ازای فضایی جدید آن، که توسط تحلیل‌های سنتی مورفولوژیک قابل توضیح نیست، مطالعاتی توسط پرنه، کستکس و دوپاول انجام شده است که مفهوم "جزیره"<sup>۳۷</sup> را به عنوان عنصر لازم برای تحلیل شهر قرن بیست



و یکمی را مطرح می‌کند. مفهوم "جزیره عمودی"<sup>۳۸</sup> در پاسخ به تحولات ایجاد شده در اثر نهضت مدرن و جبران کاستی مطالعات مورفولوژیک در پرداختن به بعد سوم ارائه شده است. از همین روست که مکتب فرانسوی به جهت افزودن مطالعات بصری و ادراکی چارچوب خاص خود را یافته است (Bekkering, 2006, p.104).

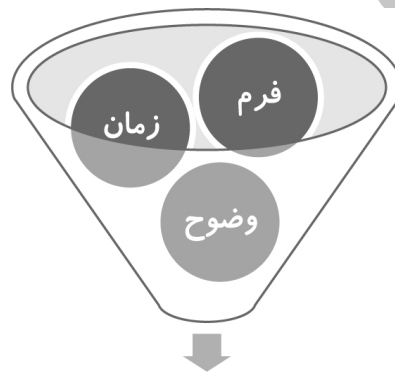
بدین ترتیب می‌توان گفت هدف مطالعات مورفولوژیک در فرانسه در واقع بررسی میزان واقع‌گرایی نظریه‌های گوناگون، بر مبنای سنجش تأثیر آن‌ها بر فرم و الگوهای شهری و بالطبع تعریف اجزاء شاخص برای بازتعریف توسعه دوباره در مداخلات جدید است.

#### ۴-۳- مقایسه مکاتب مورفولوژی شهری

چنان‌که اشاره شد، مطالعات مورفولوژی شهری را به سه مکتب بریتانیایی، ایتالیایی و فرانسوی تقسیم کرده‌اند. لازم به ذکر است که علاوه بر مدون، افراد دیگری نظیر کاستر<sup>۳۹</sup> و یا کورتس<sup>۴۰</sup> نیز به این چارچوب پرداخته‌اند (Cortes, 2004b, p.3). مدون پس از مروری بر این سه مکتب و در جمع‌بندی آن‌ها سه هدف زیر را در مطالعات مورفولوژی شهری تعریف می‌نماید.

- مطالعه فرم‌های شهری با اهداف توصیفی- تبیینی: که عموماً با هدف توسعه نظریه ساختن شهر صورت می‌گیرند. این مطالعات بیشتر به چگونگی ایجاد شهرها و چرایی ساخت آن‌ها می‌پردازند. این هدف به عنوان هدف اولیه جغرافی‌دانان به خصوص پیروان "مکتب بیرمنگام" و جامعه‌شناسان در مکتب فرانسه است.

تصویر ۲: عناصر اصلی مطالعات مورفولوژیک



الگوی مطالعات مورفولوژیک

- مطالعه فرم‌های شهری با اهداف تجویزی: این نوع مطالعات معمولاً با هدف توسعه نظریه طراحی شهرها انجام می‌شوند. این نوع مطالعات به نحوه ساخت شهرها در آینده متمرکزند. در میان گروه‌هایی که به این امر پرداخته‌اند، سهم محققان ایتالیایی و فرانسوی که سنت‌های ساخت شهرها را بررسی می‌کنند، از بقیه بیشتر است.
- مطالعه فرم شهرها با هدف بررسی تأثیر نظریه‌های طراحی گذشته در ساخت شهرها: این مطالعات عرصه طراحی انتقادی است که تمایز پیچیده بین نظریه طراحی به عنوان یک ایده و نظریه طراحی به عنوان یک روش مجرب را مشخص می‌کند. این مطالعات عموماً تفاوت‌ها و شباهت‌ها بین آنچه باید ساخته شود و آنچه ساخته شده است، را مورد بررسی قرار می‌دهد. در میان مکاتب موجود در عرصه مطالعات مورفولوژیک نیز مکتب فرانسه در این زمینه پیش‌تازتر است (Moudon, 1997, p.7).

به منظور مقایسه تطبیقی این سه مکتب، لازم است که به وجود تشابه و تفارق آن‌ها پرداخته شود. با توجه به آنچه که شرح آن رفت، با مروری بر این مکاتب می‌توان گفت که همگی بر سه اصل کلی زیر صحنه می‌گذارند:

۱. فرم‌های شهری به کمک سه جزء فضاهای ساخته‌شده، فضاهای باز و فعالیت‌های مستقر در آن‌ها تعریف می‌شوند.
۲. مطالعه فرم‌های شهری دارای "سطوح وضوح"<sup>۴۱</sup> مختلفی نظیر ساختمان، قطعه، بلوک، خیابان، شهر و منطقه است.
۳. فرم‌های شهری تنها از طریق بررسی تحولات و جابه‌جایی‌هایی که در طی تاریخ برای اجزاء آن‌ها اتفاق می‌افتد، قابل بررسی هستند.

بنابراین هر مطالعه مورفولوژیکی باید این سه جزء را در درون خود جای دهد و به فراخور بستر مطالعه از یک شیوه تحلیلی برای سنتز این لایه‌های اطلاعاتی بهره‌برد<sup>۴۲</sup>. با توجه به این مطالب و به منظور تدقیق مقایسه و تبیین نقاط افتراق میان این سه مکتب جهت تدوین الگوی بهینه برای مطالعه مورفولوژی شهری، جدول ۱ تنظیم گردیده است که فرصت تطبیق سه مکتب را در اختیار می‌گذارد.

جدول ۱: مقایسه تطبیقی انگاره‌های اصلی در سه مکتب مورفولوژی شهری

مکتب	مکتب بریتانیایی	مکتب ایتالیایی	مکتب فرانسوی
خاستگاه	مورفوزنتیک آلمانی	مطالعات گونه شناسی	مکتب ایتالیایی، اندیشه‌های لوفور، بودون
واحد تحلیلی	واحد نقشه	عنصر یا سلول ابتدایی	جزیره
وجه نظر	وضع موجود با تأکید بر فرآیندهای تغییر	وضع موجود با مروری بر گذشته بدون توجه به فرایندها و روندهای تغییر	توسعه‌ی گونه‌ای از طراحی انتقادی برای دستیابی به تأثیرات نظریه‌های طراحی در ساخت شهر
لایه‌های مطالعه	نقشه شهر (خیابان‌ها و نظام آن‌ها، قطعات زمین و نحوه تجمع آن‌ها در بلوک و طرح بلوک‌ها)، فرم ساختمان‌ها و کاربری	عناصر (ساختمان‌ها)، ساخت عناصر (نسج شهری) و سیستم ساخت‌ها و ارگانیزم سیستم‌ها (مناطق یا نواحی شهری)	افزودن عناصر بصری (مطالعات سه بعدی منظر شهری) و عناصر ادراکی (ادراک ساکنان و بهره‌وران) به مکتب ایتالیایی
هدف مطالعه	اهداف توصیفی - تبیینی	اهداف تجویزی	بررسی تأثیر نظریه‌های طراحی گذشته در ساخت شهرها
بنیان‌گذاران و صاحب نظران	کانزن، وایت‌هند، لارخام	موراتوری، کانیگیا	پنره، کستکس
پایگاه‌های آکادمیک	بیرمنگام	موسسه ملی آسیکوراژ بونی (INA)، دانشگاه رم و گروه فلورنتین	مدرسه ملی معماری ورسای

(Moudon, 1997, Larkham, 1998 ; Bekkering, 2006 ; Levy, 1999 ; Cataldi et al., 2002 ; Darin, 1998 ; Panerai et al., 2004 ; Mirmoghtadaee, 2006 Based on)

بر اساس جدول فوق، مزیت مکتب بریتانیایی از این حیث است که به فرایندهای تاریخی توجه دارد. از سوی دیگر روش بررسی ساختار بررسی فرمال (شکلی) شهر نیز در این مکتب دقیق‌تر به نظر می‌آید. شاید بتوان ادعا کرد که بزرگترین ضعف مطالعات این مکتب، اکتفا به اهداف توصیفی و تبیینی است. اما مکتب فرانسه نیز به دلیل داشتن فرصت بررسی همزمان ابعاد معماری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند کارایی مطالعات را بالا برده و علاوه بر ارائه چارچوب تجویزی، حتی تأثیر تئوری‌های طراحی بر فرم را نیز آشکار سازد. بزرگترین ضعف‌های این رویکرد را می‌توان در تحلیل وضع شکلی موجود و روندهای تاریخی شکل دهنده‌ی آن دانست. علاوه بر این زمانی که بافت‌های شهری بدون نظریه خاصی و به صورت اندامواره شکل گرفته باشند، توجه ویژه مطالعات مکتب فرانسه به موضوع طراحی انتقادی برای دستیابی به تأثیرات نظریه‌های طراحی در ساخت شهر کم‌معنی می‌نماید. مکتب ایتالیایی نیز به دلیل عدم توجه به گذشته و نیز ابعاد متفاوت تشکیل دهنده فرم بافت‌ها کمتر کارا به نظر می‌آید.

علاوه بر این سه مکتب، گروه‌های دیگری نیز در این زمینه فعالیت‌هایی داشته‌اند که هرچند به عنوان یک مکتب نمی‌توان آن‌ها را متمایز ساخت، اما به جهت پاره‌ای از ویژگی‌ها حائز اهمیت هستند. از این جمله می‌توان به مطالعات آلمانی که رویکردی چند لایه را ایجاد کرده است که یکی از لایه‌های آن زیرساخت‌هاست، و یا الگوی مطالعات امریکایی شمالی به خاطر توجه به حومه شهرهای امریکایی و توجه به ابعاد فیزیکی این نوع از شهرگرایی، اشاره نمود (Cortes, 2004b, p.3). بدین ترتیب، اکنون با شناخت مکاتب مورفولوژی شهری و بررسی وجود تشابه و تمایز آن‌ها می‌توان چارچوب مطالعه حاضر را تدوین نمود.

#### ۴. مکتب اقتصاد سیاسی فضا

دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا به علل پیدایش سکونت‌گاه‌های مختلف می‌پردازد و می‌کوشد با ریشه‌ی مسأله درگیر شود. این دیدگاه، فضا را پدیده‌ای می‌داند که تولید می‌شود، سپس می‌کوشد تا سازوکارهای حاکم بر تولید فضا را کشف نماید. در این رهگذر اولین نتیجه‌گیری آن است که تولید فضا، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، انعکاس روابط طبقاتی یا به بیان کلی‌تر بهره‌کشی است (Papoli Yazdi & Rajabi Sanajerd, 2003, P.312). در این دیدگاه طبقه‌ی حاکم از طریق محیط مصنوع به کل جامعه دست‌اندازی می‌کند و به اعمال کنترل دست می‌زند. بر این اساس هدف اقتصاد سیاسی فضا کشف الگوهای فضایی فرآیند تولید، توزیع و مصرف و نقش دولت، گروه‌ها و طبقات اجتماعی در شکل‌بخشی به این الگوهاست (Piran, 1991, p.78).

از دیدگاه اقتصاد سیاسی، مسأله‌ای که در نظریه مطالعات قدرت در اجتماعات محلی وجود دارد این است که آن‌ها صرفاً مکانیزم‌های فرایند تصمیم‌گیری را نشان می‌دهند. رویکرد اقتصاد سیاسی مدعی است که با تحلیل فرایند تصمیم‌گیری، تمام داستان روایت نمی‌شود، زیرا دولت‌های شهری به دلیل ماهیت اقتصاد سرمایه داری از استقلال عمل اندکی برای تصمیم‌گیری برخوردارند.

اشاره ضمنی اصطلاح "اقتصاد سیاسی" آن است که عملکرد دستگاه حکومتی و اقتصاد، دارای اثرات متقابل بر روی یکدیگرند. اقتصاد سیاسی نوعی ارتباط تنگاتنگ و ناگسستنی را میان فرایندهای سیاسی (که با عناوین مختلفی مانند دولت، و یا بخش دارای اقتدار) و فرایندهای سیاسی (که با عناوین گوناگونی مانند تولید کالا، بخش خصوصی و یا تبادل داوطلبانه شناخته می‌شود) را پیش‌فرض قرار می‌دهد. عملاً اقتصاد سیاسی با احیاء شیوه کلاسیک مرسوم بررسی پدیده‌های اقتصادی و سیاسی (که یک کلیت جدایی‌ناپذیر را تشکیل می‌دهند) در قرن‌های ۱۸ و ۱۹، دو شاخه علمی علوم سیاسی و اقتصاد که در قرن بیستم از یکدیگر جدا شده بودند، را دوباره با یکدیگر پیوند می‌دهد. اقتصاد سیاسی شهری در دهه ۱۹۷۰ و به منظور تحلیل کلانشهرهای مدرن پا به عرصه گذاشت (Caves, 2005, p.354).

دیدگاه اقتصاد سیاسی، بر ویژگی‌های ساختار روابط اقتصادی به‌ویژه فرایندهای انباشت سرمایه، تولید و مصرف و تضادهای حاصل از برخورد این نیروها توجه دارد. اگر چه شاخه‌های متعددی در رویکرد اقتصاد سیاسی وجود دارد، بخش عمده‌ای از نظریه‌های کلاسیک این دیدگاه تحلیل‌های نئومارکسیستی است که توسط دیوید هاروی<sup>۳۳</sup> و مانوئل کاستلز<sup>۳۴</sup> ارائه شده است. (کاستلز نزدیک به ۲۰ کتاب تألیف نمود و یا در تألیف آن‌ها شرکت داشت و بیش از ۱۵ کتاب را نیز ویرایش نمود. نوشته‌های ابتدایی او شامل تحلیل‌های انتقادی شهری می‌شد. اولین کتاب او "پرسش شهری" که برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ انتشار یافت را می‌توان تأثیرگذارترین کتاب بر حوزه اقتصاد سیاسی در عصر خود دانست (Caves, 2005, p.47). از این دیدگاه، سیاست‌های شهری با استفاده از مفاهیم دوگانه انباشت سرمایه و مبارزه طبقاتی قابل تبیین است. انباشت سرمایه به طور غیرقابل اجتنابی به تضاد طبقاتی خواهد انجامید. نقش دولت مطابق این دیدگاه ایجاد پیش شرط‌های کلی برای تحقق انباشت سرمایه (به عنوان مثال تدارک نیروی کار سالم و ایجاد سیستم‌های حمل و نقل) و نیز حفظ نظم اجتماعی است. فرایند حومه‌نشینی در این دیدگاه محصول انباشت سرمایه است. مطابق نظر هاروی یکی از دلایل ترویج و تشویق وسیع حومه‌نشینی این است که حومه‌نشینی باعث افزایش تقاضای محصولات تولیدی است که خود به انباشت بیشتر سرمایه کمک می‌کند (Kazemian, Athari, & Sarrafi, 2007, p.126).

اقتصاددانان حوزه اقتصاد سیاسی شهری، شهر را به مثابه مرکز مبارزه طبقاتی صاحبان کار و کارگران (در محیط کار) و همچنین مرکز مبارزه میان گروه‌هایی که به دنبال سودآوری از زمین‌های شهری‌اند از یک سو و از سوی دیگر کسانی که می‌خواهند بر روی این زمین‌ها زندگی کنند، به تصویر می‌کشند. در این دیدگاه توسعه تاریخی "فرم شهری"<sup>۳۵</sup> ناشی از این مناقشات و نیاز به ایجاد زمینه و شرایط لازم برای تولید و بازتولید سرمایه‌داری است. شرایط لازم برای پاسخ به این نیازها است که سیاست‌های شهری را در راستای منافع طبقه سرمایه‌دار شکل می‌دهد (Caves, 2005, p.354).

جدول ۲، دیدگاه‌های دیوید هاروی به عنوان یکی از متفکران برجسته مکتب اقتصاد سیاسی فضا، در خصوص شهر و نیروهای تأثیرگذار بر فضای شهری را خلاصه می‌کند.

جدول ۲: دیدگاه‌های دیوید هاروی در خصوص مکتب اقتصاد سیاسی فضا

مفاهیم	آرای دیوید هاروی
جایگاه شهر	شهر تجلی‌گاه تمرکز نیروهای اقتصادی و سیاسی و روابطی است که گستره‌ای در سطح نظام جهانی دارند.
ایدئولوژی	شهر کانون ثروت و منزلت بوده و محصول انباشت سرمایه است.
نیروهایی که محیط را شکل می‌دهند	تأکید بر اقتصاد سیاسی یا نیروهای فرامنطقه‌ای
قشربندی اجتماعی	نابرابری ساخت ریشه در تغییرات نظام اقتصادی دارد

(Afroogh, 1998, cited by Tabibian, & Shokuhi Bidhendi, 2008, p. 17)

مکتب اقتصاد سیاسی فضا، به فرآیند فشردگی فضا و زمان و همچنین تطور تاریخی- جغرافیایی جوامع توجه دارد (Harvey, 2005, p.101). علاوه بر این، مفاهیمی نظیر روابط نظام سرمایه‌داری (Lefebvre, 1976) نقش دولت و برنامه‌ریزان (Harvey, 1998)، مفهوم عدالت و توزیع عادلانه (Harvey, 1997)، رانت و مازاد تولید (Harvey, 1980)، و انباشت ثروت، طبقه و قدرت (Castells, 1977) در چارچوب این مکتب مورد بحث واقع می‌گردند.



اقتصاد سیاسی فضا دارای ویژگی‌هایی است که به‌کارگیری این رویکرد را به‌عنوان دستگاه تحلیلی توجیه می‌نماید. این ویژگی‌ها که می‌توانند در مطالعات مورفولوژی شهری نیز کاربست داشته باشند، عبارتند از:

- توجه به علل پیدایش سکونت‌گاه‌ها
- توجه به سازوکارهای حاکم بر فضا
- توجه به چارچوب اعمال کنترل و قدرت دولت
- توجه به علوم و گرایش‌های مختلف به عنوان یک فرازبان
- توجه به دلالت‌های فضایی روابط و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی
- توجه به مفهوم زمان
- محدود نبودن در چارچوب نظریه‌ها و بازتعریف علوم

براین اساس، مبتنی بر این کاربست‌ها، می‌توان از مکتب اقتصاد سیاسی فضا به عنوان دستگاهی در جهت تحلیل نیروهای اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی در گذر زمان و نقش آن‌ها در شکل‌دهی به بافت‌های شهری در مطالعات مورفولوژی استفاده کرد.

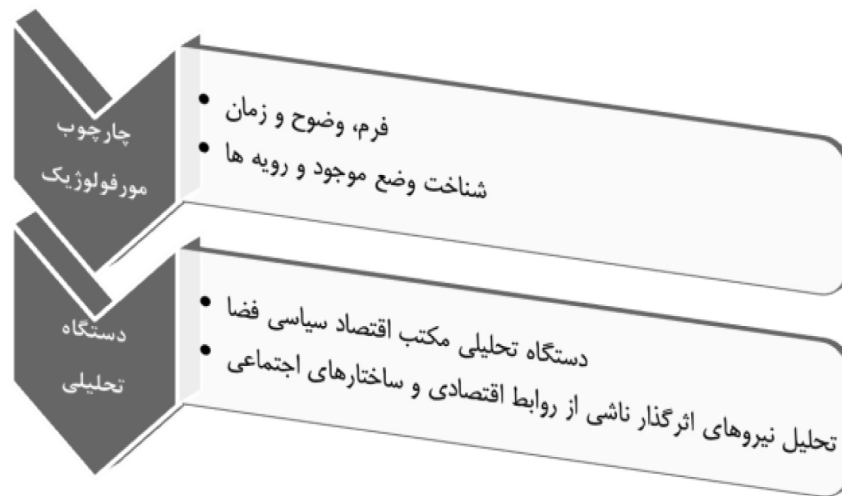
##### ۵. پیشنهاداتی در تکمیل مطالعات مورفولوژی شهری بر اساس دستگاه تحلیلی مکتب اقتصاد سیاسی فضا

ضعف عمده مطالعات مورفولوژیک در پرداختن بیشتر به اهداف توصیفی و ضعف چارچوب تحلیلی است. چنانچه بتوان روشی را پیشنهاد کرد که در شناسایی اجزاء فرم، وضوح و زمان در بافت کارا باشد و در عین حال بتواند از حیث توجه به روندها و فرآیندهای شکل‌دهنده‌ی فرم شهری موجود، ساختارهای اجتماعی و روابط اقتصادی حاکم بر فضا را تشخیص داده و از آن طریق مطالعات مورفولوژیک را به ماهیت تحلیلی نزدیک نماید، چارچوبی نسبتاً کارا ارائه شده است. لذا پیشنهاد این مطالعه استناد به الگوهای مطالعات مورفولوژیک در عین تأکید بر نیروهای اثرگذار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در طول زمان است که برای این امر می‌توان به طور خاص از دستگاه تحلیلی مکتب اقتصاد سیاسی فضا بهره جست.

چنان‌که اشاره شد، دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا در واقع دلالت‌های فضایی مباحثی را در دستور کار خود قرار داده است که به یک معنا معطوف به بعد اقتصادی و روابط ناشی از آن است<sup>۴۴</sup>. در این چارچوب، شهر مترادف با فضای فیزیکی آن نیست. شهر زمینه فضایی عامی است که از طریق آن روابط تولید در تجربه روزمره مردم، بازتولید می‌شود (Afroogh, 1988, pp. 129-133). اقتصاد سیاسی فضا می‌تواند به عنوان یک فرا-زبان یا فرا-روایت مورد توجه قرار گیرد. امروزه این مکتب گرایش‌های فضایی علوم اجتماعی، جغرافیا، علوم فرهنگی، اقتصاد، معماری، تاریخ هنر، و دیگر رشته‌ها و مباحثی نظیر فمینیسم و پایداری را به یکدیگر پیوند می‌دهد (Cuthbert, 2006, p. 15). علاوه بر این، اقتصاد سیاسی از مرز نظریه‌های این علوم و گرایش‌ها نیز فراتر می‌رود. بدین ترتیب ابعاد اجتماعی و اقتصادی مؤثر در شکل‌دهی بافت و کالبد شهر در این مکتب بسیار مورد توجه قرار می‌گیرند. همچنین دستگاه تحلیلی این مکتب توجه ویژه‌ای را نیز نسبت به مفهوم زمان مبذول می‌دارد و از آن‌جا که مطالعه مورفولوژی به‌خصوص در بافت‌های تاریخی بدون توجه به تحولات آن در زمان امری بی‌ارزش می‌نماید، این توجه حائز اهمیت بالایی خواهد بود.

از سوی دیگر، همان‌گونه که شرح آن رفت، استناد محض به تحلیل نتایج نظریه‌های طراحی نیز، نظیر آن‌چه در مکتب مورفولوژی فرانسه انجام می‌گیرد، در بافت‌هایی که بدون نظریه خاصی تشکیل یافته‌اند، نمی‌تواند گره‌گشا باشد. در چارچوب اقتصاد سیاسی فضا نیز، توجه صرف به رفتار طراحان و نظریه‌های گروه‌های خاص ذی‌مدخل نخواهد بود. کمک فکری این دیدگاه برجسته کردن اهمیت مقوله خدمات شهری و نیز تحلیل سیاست‌گذاران شهری در درون زمینه‌ها و ساختارهای اقتصادی است. در این رویکرد سیاست‌های شهری برحسب محتوا تعریف و تحلیل می‌شود نه ویژگی‌های خاص محلی. این رویکرد نوعی چارچوب شناختی برای سیاست‌گذاری شهری پیشنهاد می‌کند که دربرگیرنده الگوهای پیچیده نهادهای غیر محلی و احزاب غیر حکومتی است (Kazemian, Athari & Sarrafi, 2007, p. 126). اقتصاد سیاسی، چنان‌که اشاره گردید، با به‌کارگیری علوم و گرایش‌های مختلف، از مرز نظریه‌های آن‌ها می‌گذرد و دستگاه تحلیلی جدیدی را شکل می‌دهد. بنابراین در حالی که به بازتعریف علوم مختلف می‌پردازد، همواره قابلیت توسعه دارد.

تصویر ۳: شیوه دستیابی به الگوی تحلیل مورفولوژیک بر مبنای دستگاه اقتصاد سیاسی فضا



بنابراین، مطالعه مورفولوژی می‌تواند با اتکا به ساختار مطالعاتی مبتنی بر سه عنصر فرم، وضوح و زمان و در دستگاه تحلیلی اقتصاد سیاسی فضا، تلاش نماید تا نظام کنونی بافت شهری را به عنوان نتیجه توسعه تاریخی آن در دوران‌های مختلف و از جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ببیند و به تحلیل فرآیندها و نیروهای حاکم بر آن بپردازد.

#### ۶. جمع بندی

مزیت مکتب بریتانیایی از این حیث است که به فرآیندهای تاریخی توجه دارد. از سوی دیگر روش بررسی ساختار شکلی (فرمال) شهر نیز در این مکتب دقیق‌تر به نظر می‌آید. شاید بتوان ادعا کرد که بزرگترین ضعف مطالعات این مکتب، اکتفا به اهداف توصیفی و تبیینی است. اما مکتب فرانسه نیز به دلیل داشتن فرصت بررسی همزمان ابعاد معماری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند کارایی مطالعات را بالا برده و علاوه بر ارائه چارچوب تجویزی، حتی تأثیر نظریه‌های طراحی بر فرم را نیز آشکار سازد. بزرگترین ضعف‌های این رویکرد را می‌توان در تحلیل وضع شکلی موجود و روندهای تاریخی شکل دهنده آن دانست. علاوه بر این زمانی که بافت‌های شهری بدون نظریه خاصی و به صورت اندامواره شکل گرفته باشند، توجه ویژه مطالعات مکتب فرانسه به موضوع طراحی انتقادی برای دستیابی به تأثیرات نظریه‌های طراحی در ساخت شهر کم‌معنی می‌نماید. مکتب ایتالیایی نیز به دلیل عدم توجه به گذشته و نیز ابعاد متفاوت تشکیل دهنده فرم بافت‌ها کمتر کارا به نظر می‌آید.

با توجه به این موارد، به نظر می‌رسد نقد مشترک به همه مکاتب موجود در مطالعات مورفولوژی شهری، عدم توجه به فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که در گذر زمان به تحول بافت و شکل‌دهی به آن منجر می‌گردند. تحلیل نیروهای اثرگذار بر بافت می‌تواند از طریق بهره‌گیری از رویکرد دستگاه تحلیلی مکتب اقتصاد سیاسی فضا به مکاتب مورفولوژی شهری افزوده گردد. پیشنهاد این مقاله، تلفیق مکتب مورفولوژی بریتانیایی با نگاه تحلیلی مکتب اقتصادی سیاسی فضاست. بدین ترتیب، جدول زیر، پیشنهادات تکمیلی در جهت ایجاد نگاه تحلیلی به مکتب مورفولوژی بریتانیایی را ارائه می‌کند.

جدول ۳: پیشنهاد تکمیل مکاتب مورفولوژی شهری با بهره‌گیری از آموزه‌های مکتب اقتصاد سیاسی فضا

مکتب	مکتب بریتانیایی	پیشنهادهای این مطالعه در جهت تکمیل
خاستگاه	مورفونتییک آلمانی	مکتب بریتانیایی مطالعات مورفولوژی + مکتب اقتصاد سیاسی فضا
واحد تحلیلی	واحد نقشه	واحد همسایگی
وجه نظر	وضع موجود با تأکید بر فرآیندهای تغییر	فرآیندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر بافت و تغییرات ناشی از آن
لايه‌های مطالعه	نقشه‌ی شهر (خیابان‌ها و نظام آن‌ها، قطعات زمین و نحوه تجمع آن‌ها در بلوک و طرح بلوک‌ها)، فرم ساختمان‌ها و کاربری	فرم، وضوح (Resolution)، زمان
هدف مطالعه	اهداف توصیفی - تبیینی	تبیین، تحلیل و تجویز

براین اساس، این مطالعه، نه در جهت پیشنهاد مکتبی جدید، بلکه در راستای تکمیل مکاتب موجود (به ویژه مکتب بریتانیایی) در جهت توجه به مفاهیمی نظیر زمان، قدرت، دولت، نظام‌های اجتماعی و غیره است که در مکتب اقتصاد سیاسی فضا مورد تأکیدند.

## پی نوشت:

1. Anne Vernez Moudon
2. morphe
3. logie
4. Johann Wolfgang von Goethe
5. M.R.G. Conzen
6. Larkham
7. Alenwick
8. Townscape
9. Fringe-Belt
10. Burgage Sycle
11. plan unit
12. Urban Landscape
13. JWR Whitehand
14. T.R. Slater
15. Muratori
16. Cervelatti
17. Scannavini
18. Caniggia
19. Rossi
20. Aymonino
21. Istituto Nazionale delle Assicurazioni (INA)
22. elementary cell
23. pseudo-types
24. a basic fabric
25. particular fabrics
26. The group Florentine
27. Philippe Panerai
28. Jean-Castex
29. Charls DePaule
30. The Versailles National School of Landscape Architecture
31. Beaux-art
32. Henry Lefebvre
33. Françoise Boudon
34. André Chastel
35. Haussmann
36. Le Corbusier
37. Island

۳۸. دو مفهوم جزیره و جزیره عمودی (vertical island) در پاسخ به دسترسی نداشتن ساکنان و واحدهای طبقات فوقانی به سطح زمین و خیابان تعریف می‌شوند. این دو مفهوم امکان بررسی فرم بافت شهری را در بعد سوم با توجه به عناصر بصری شهر (towscape) و اجزاء دریافتی ساکنان و استفاده‌کنندگان (visual and perspective elements) فراهم می‌نمایند.

39. Koster
40. Camila Pinzon Cortes
41. Resolution

۴۲. بر همین اساس است که مطالعات کرتس، که تحت هدایت بکرینگ انجام شده است، با تلفیق روش‌ها و چارچوب‌های هر سه مکتب انگلیسی، ایتالیایی و فرانسوی، موضوع مورفولوژی شهری را در سه لایه فرم، وضوح و زمان بررسی می‌کند. شایان ذکر است که بررسی‌های کرتس عمدتاً مقیاسی منطقه‌ای دارد (Cortes, 2004, b).

43. David Harvey
44. Manuel Castells
45. Urban Form

۴۶. مباحثی که به گونه‌های ریشه در مارکسیسم و برخی از اصول ماتریالیسم تاریخی و روش‌شناسی دیالکتیکی در مورد تفسیر و به‌کارگیری این چارچوب و اصول را پذیرفته است.

## References:

- Abdeh Daneshpour, Z. (2008). *An introduction to planning theories with special reference to urban planning theories*. Tehran: Sh.Beheshti University (SBU).
- Afroogh, E. (1988). *Space and society: Space and inequality, providing a pattern for special segregation and its effects*. Tehran: Tarbiat Modares University.
- Allmendinger, Ph. (1968). *Planning theory* (Bahman Teimouri, E. Trans.). Tehran: Azerakhsh.
- Andalib, A. (2003). *Research methods and writing Ph.D. thesis*. Tehran: Command and Staff College.
- Bekkering, H.C. (2006). *Morphological Analysis of the Contemporary Urban Territory: Is it still a relevant approach?*. In Hoeven F van der & Rosemann HJ (Eds.), *Urban transformations and sustainability*, IOS Press, Delft, pp. 96-113.
- Carmona, M., Tiesdell, S., Heath, T. & Oc, T. (2003). *Public Places Urban Spaces- The Dimension of Urban Design*. UK, Oxford: Architectural Press.
- Castells, M. (1977). *The Urban Question*. UK. Cambridge.
- Cataldi, G., Maffei, G.L., & Vaccaro, p. (2002). *Saverio Muratori and the Italian school of planning typology*. *Urban Morphology*. 6 (1), pp. 3-14.
- Caves, Roger W. (2005), *Encyclopedia of the City*. New York: Routledge.
- Cortes, Camila Pinzon (2004, a). *Morphologies of Fragmentation and Continuity*. Paper for the AESOP – APE-RAU PhD Workshop, Aix-en-Provence, France.
- Cortes, Camila Pinzon (2004, b). *Morphologies of Fragmentation and Continuity*. ISUF - Newcastle Symposium, Newcastle.
- Cuthbert, Alexander R. (2006). *The Form of Cities: Political Economy and Urban Design*. New York: Wiley-Blackwell.
- Darin, M. (1998). The study of urban form in France. International Seminar of Urban Form. Urban morphology (pp. 63-76). UK: Northumbria University.
- Flick, U. (2009). *An introduction to qualitative research* (Jalili, H. :Trans.). Tehran: Nashr-e Ney.
- Groat, Linda N., & Wang, D. (2008). *Architectural research methods* (Einifar, A. Trans.). Tehran: Tehran university publication.
- Harvey, D. (1980). *Concept of City, City and Surplus* (Monadi, B. : Trans.). Tehran: Iran Publication (Urban and Regional Study Group).
- Harvey, D. (1997). *City and The Justice* (Hesamian, F., & Haeri. M.R., & Monadizadeh, B. : Trans.). Tehran: Publication of Pardazesh va barnamerizi Shahri.
- Harvey, D. (1998). *The role of planning in capital societies* (Athari, K. Trans.). *Architecture and Urbanism*, 7(45&46), 73-75.
- Harvey, D. (2005). *Capitalism: The factory of fragmentation* (Zia Tavana, M.H. Trans.). *Political & Economic Ettelaat*, 217&218, 100-105.
- Kazemian, Gh., & Athari, K., & Sarrafi, M. (2007). *Managing Tehran metropolitan area* (Third Chapter). Tehran: Tarbiat Modares University.
- Larkham, P. J. (1998). *Urban morphology and typology in the United Kingdom*, Typological Process, Ed. Attilio petruccioli, Agha khan program for islamic architecture, Cambridge, Massachusetts, pp. 159- 170.
- Lefebvre, Henri (1976). *The Survival of Capitalism*. New York: St. Martin Press.
- Levy, Albert (1999), *Urban Morphology and the problem of the modern urban fabric: some questions for research*. International Seminar of Urban Form?. *Urban morphology* (pp. 79-85). UK: Northumbria University.
- Madanipour, A. (2001). *Design of urban space: an inquiry into a socio-spatial process* (Mortezaeae, F. Trans.). Tehran: Publication of Pardazesh va barnamerizi Shahri.
- Mirmoghtadaee, M. (2006). *A proposed method for the analysis of urban character*. *Journal of environmental studies*. 32(39), 129-140.
- Moudon, A.V. (1997). *Urban Morphology as an Emerging Interdisciplinary Field*. *Urban morphology* (pp. 3-10). UK: Northumbria University.
- Moudon, A.V. (1998). *The Changing Morphology of Suburban Neighborhoods*. Agha khan program for islamic architecture, Typological Process and Design Theory (pp.141-157) Massachusetts: Cambridge.

- Panerai, Ph., & Castex, J., & Depaule, J. Ch. (2004). *Urban forms: The death and life of the urban block*. UK: Architectural Press.
- Papoli Yazdi, M.H., & Rajabi Sanajerdi, H. (2003). *The theory of urban and surrounding*. Tehran: Samt Publications.
- Piran, P. (1991). *Theoretical perspectives on urban sociology and urbanism: 7-School of political economy of space*. Political & Economic Ettelaat, 51&52, 75-81.
- Tabibian, M., & Shokuhi Bidhendi, S. (2008). *A comparative analysis of Rawls and Harvey's views on the philosophy of Justice*. Shahrnegar, 48, 7-22.
- Whitehand, J.W.R. (2001). *British Urban Morphology: the Conzenian tradition*. Urban morphology (pp. 3-10). UK: Northumbria University.
- Whitehand, J.W.R. (2007). *Conzenian Urban Morphology and Urban Landscapes*. Proceedings of the 6th International Space Syntax Symposium (pp. ii01-ii09). Istanbul: Technical University Faculty of Architecture.

Archive of SID